خبر

## برای نقش «عموغلام» خیلی زحمت کشیدم

امیر آتشانی که برای مخاطبان تلویزیون با حضور در سریال‌هایی همچون «پس از باران»، «شب دهم» و «پایتخت۱» شناخته می‌شود درباره فعالیت‌های فعلی خود گفت: بعد از سریال «باخانمان» که زمستان ۹۹ روی آنتن رفت، کار تصویری نداشتم. اکنون هم به عنوان کارشناس در مرکز هنرهای نمایشی مشغول به کار هستم. علاوه بر این به صورت پاره‌وقت تدریس بازیگری در برخی مراکز آموزش عالی و آموزشگاه‌های بازیگری را نیز دنبال می‌کنم.

آتشانی درباره کم‌کاربودن خود در سال‌های اخیر نیز گفت: من در سال ۹۶ درگیر بیماری قلبی شدم و این کسالت مرا مدتی از فضای هنری دور کرد. البته فراتر از این اتفاق باید به انتخاب‌های خودم نیز اشاره کنم. من در کلاس‌ها همیشه به هنرجویانم می‌گویم در اولین کار برای بازیگری شما انتخاب می‌شوید، اما از کارهای دوم به بعد شما هستید که انتخاب می‌کنید چه نقشی را بازی کنید. وی افزود: بعد از این که برای نقش «عموغلام» در «پس از باران» انتخاب شدم، خیلی برای رسیدن به این شخصیت زحمت کشیدم. از جمله برای لحن و لهجه با توجه به این که خودم مازندرانی بودم تمرین زیادی کردم. خدا را هم شکر می‌کنم که هم کلیت آن مجموعه تلویزیونی و هم نقش من برای مردم ماندگار شد و پس از ۲۰ سال از پخش «پس از باران» هنوز هم این سریال را به یاد دارند.

زاویه دید

## نمایش فروپاشی «ارباب و رعیتی» در رسانه ملی

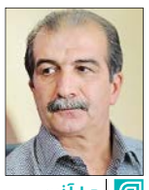

جبار آذین
رسانه | منتقد و مدرس

زندگی اجتماعی، سیاسی فرهنگی، چالش‌ها و کشمکش‌ها و مبارزات حق‌طلبانه رعایا و کشاورزان و دهقان‌ها ضدمناسبات سیاسی/اجتماعی ارباب و رعیتی یا دوران حاکمیت فئودالیته و ارباب‌ها و خان‌ها و مزدوران آنها، تاکنون ظرف و بستر صدها داستان فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی قرار گرفته است. تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی و سیاسی با هدف پیوستن ایران به جهان سرمایه و سرمایه‌داری در دوران پهلوی، تولید دو نوع فیلم روستایی و ارباب و رعیتی را در دستور کار هنرمندان سینما و تلویزیون قرار داد.

یک؛ آثاری که در برابر تهاجم فرهنگ و تمدن وارداتی شهری که الگوی آن، غرب بود، از اصالت و فرهنگ روستایی بدون ایجاد تغییر در مناسبات زندگی ظالمانه خان و رعیت، سخن می‌گفتند و دو، تولیداتی که با هجو و تحقیر زندگی و آیین‌های روستایی و استقبال از ورود سرمایه و صنعت، مبلغ و مروج تمام شدن دوران سنتی ارباب و رعیتی در چارچوب حکم دستورات و سفارشات حکومت پهلوی بودند.

درهمین امتداد هم بود که پهلوی دوم به سفارش و توصیه و نقشه اربابان آمریکایی خود، برنامه‌ای مخرب را با ظاهر اصلاحات و صنعتی کردن کشاورزی با عناوین «انقلاب سفید یا انقلاب شاه و ملت» تدارک دیده و به تبلیغ آن در رسانه‌ها، سینما، تلویزیون و سطوح جامعه می‌پرداخت.

در واقع این طرح، انتقال زمین، قدرت و سرمایه را منطبق با نیاز حاکمیت سرمایه‌داری در کشور، بدون هرگونه مخالفت و درگیری و در جهت نجات جان و اموال اربابان ظالم و خوانین ستمگر که روستاها و زندگی روستاییان را به نابودی کشانده و کشاورزی را در کشور از میان برده بودند، تبلیغ می‌کرد و هدف آن تاسیس کارخانه‌های مورد نیاز و علاقه غربی‌ها در ایران و مهاجرت روستائیان از روستا و کارگری در کارخانه‌ها و ویران کردن روستاها و وابستگی کشور به غرب بود.

بعد از رخداد انقلاب بزرگ اسلامی و سرنگونی رژیم پهلوی همه چیز و از جمله فرهنگ، هنر و رسانه‌ها رنگ و بوی انقلابی به خودگرفتند و تولیدات انقلابی و ارزشی، به جای آثار تخریبی ضد فرهنگ و ارزش نشستند و تولید فیلم‌ها و سریال‌های انقلابی با مضامین اجتماعی و سیاسی روستایی رونق گرفت و ده‌ها اثر تماشایی درسینما به‌ویژه رسانه ملی درباره مناسبات و مبارزات روستائیان با خان‌ها و ارباب‌ها ساخته و در آنها به دفاع از کشاورزان، زندگی، زمین و فرهنگ و آیین‌های بومی و قومی و ملی روستاییان توجه شد. مجموعه‌هایی مانند گذر از رنج‌ها، پس از باران، ستایش، بانوی عمارت، کلبه‌ای در مه، علی‌البدل، پایتخت، ن.خ، جاده چالوس، از یاد رفته روزی روزگاری و ... نمونه‌هایی از این نوع تولیدات پرمخاطب رسانه ملی است. گرچه روند تولید این‌گونه آثار رو به گسترش است، ولی دیگر در ساخت آنها روی روابط اجتماعی و خانوادگی و فرهنگ روستایی و مبارزه با زمین‌خواری و ستم سرمایه‌داران، چندان مکث نمی‌شود و مسائل عاشقانه موضوع و مضمون اصلی سریال‌ها واقع شده که لازم است این کاستی درتولیدات آتی جبران شود. در هرحال آثار فراوان افشاگرانه، روشنگرانه و پژوهشگرانه و مدافعانه رسانه ملی و نمایش تاریخی و اجتماعی زندگی روستاییان در دوره‌های مختلف و ارائه واقعیت‌ها و پیشرفت روستاهای کشور در تمام زمینه‌ها و دفاع از زندگی سلامت در روستاها و پاکدلی و ایمان سالاری و فداکاری روستاییان، ارتقای تولیدات کشاورزی در روستاها در راستای حمایت از تولید ملی، ارائه روایت‌های جذاب و تاثیرگذار از روستاییان در عرصه‌ها و صحنه‌های گوناگون دفاعی، جهادی و سازندگی کشور و همچنین نقش بزرگ آنها در دوران دفاع مقدس و ایجاد شکوفایی کشور، امنیت ملی و اجتماعی در سریال‌ها و برنامه‌های رسانه ملی، نشانگر نگاه مترقی و متعالی این رسانه به نقش، سهم و جایگاه بارز روستاییان در بالندگی ایران است.

مروری بر اهمیت بازخوانی

# قصه ظلم «خان» و

نوشین مجلسی سپیده اشرفی
گروه رسانه

**«هر که زمینش بیش، قدرتش بیشتر» این خلاصه‌ای از نظام ارباب - رعیتی است که البته گاهی با توجه به قدرت خان در جمع‌آوری مالیات، ضرب سکه و وصول جریمه مرزی فراتر از زمین‌داری هم پیدا می‌کرد. این سیستم که آن را فئودالیسم، تیول‌داری، حکومت ملوک‌الطوایفی و خان‌خانی هم می‌گویند چه در جهان و چه در ایران خودمان سابقه طولانی دارد و هنوز هم گاهی در مکالمات پرکنایه روزمره اصطلاحاتی از آنها را می‌شنویم، هر چند سال‌هاست دیگر به آن شکل گذشته خبری از این ساختار در کشور نیست. در این نظام که احتمالا گوشه‌هایی از آن را در آثار نمایشی تاریخی به تماشا نشستید، آمریت تمام و کمال ارباب بر کشاورز (رعیت) که روی ملک او به کشت و کار مشغول است، پذیرفته شده بود. این آمریت معمولا با اعمال زور و اجبار همراه و ابزارهای آن نیروی نظامی، سنت یا رویه‌های قضایی بود. در این صورت بر رعیت تحمیل می‌شد درخواست‌های اربابش را به شکل کالایی، نقدی یا خدماتی انجام دهد. همان‌طور که مشخص است این نظام زمینه کافی برای بروز ظلم را فراهم می‌آورد و برای همین قصه‌های تلخ بسیاری را هم رقم زده است. شاید به همین دلیل است که بسیاری از نویسندگان و فیلمنامه‌نویسان تمایل دارند قصه‌هایی از تاریخ ایران را روایت کنند که در این دوران گذشته‌است. منبع غنی از ماجراهای ریز و درشت درام و تراژیک و همچنین نمایش تاریخ از جمله دلایلی است که می‌توان برای محبوبیت این زمان نزد درام‌نویسان برشمرد. هر چند گاهی خانی رئوف و خوان گسترده‌اش در خانه‌اربابی هم در قصه‌ها تصویر شده است اما معمولا آنچه دیدیم خویی درنده، چشمی ناپاک و ظلمی بی‌حد است که برای شخصیت ارباب و غالب اطرافیانش تعریف می‌شود. همزمان با پخش سریال «گیل‌دخت» که اشارتی به این فضا دارد، در نوشتار پیش رو تعدادی از آثاری که با این مضمون روی آنتن رفتند یا در بخشی از قصه خود به وجود و آثار چنین نظامی در تاریخ دور و نزدیک ایران پرداختند، نگاه انداخته‌ایم و با خسرو معتضد، کارشناس تاریخ و همچنین عبدالرسول گلبن، نویسنده سریال «جشن سربرون» - که محتوایش نزدیک به آن چیزی است که بیان شد - گفت‌وگو کردیم.**

### طلوع آفتاب پس از باران ستم

یکی از مشهورترین قصه‌های تلویزیونی که ارتباط ارباب - رعیت را روایت می‌کرد و در خلال قصه‌ای تراژیک به ظلمی که خان‌ها به رعیت روا می‌داشتند می‌پرداخت سریال «پس از باران» بود. ظلم تصویرشده در سریال فقط محدود به جنبه مادی و بهره‌بری از نیروی کار و زمین نبود، بلکه حرف زور ارباب در امور خانوادگی هم باید شنیده می‌شد.

در این سریال شاهد بودیم در زمانه پهلوی خانواده خانی در یکی از روستاهای گیلان دست روی دختری رعیت می‌گذارند تا به عقد خان دربیاید و برای او فرزند به دنیا بیاورد. این ازدواج گرچه با رضایت دختر و خانواده‌اش همراه نیست ولی با اجبار سرمی‌گیرد و این آغاز ماجرایی تلخ و پر سوز و گداز است که به اضمحلال قدرت خان می‌انجامد. پس از این سریال به کارگردانی سعید سلطانی که اواخر دهه ۷۰ از شبکه سه سیما روی آنتن رفت و با استقبال بینندگان فراوانی همراه شد، قصه‌های بیشتری سراغ این فضا رفتند و برای مخاطبان علاقه‌مند، از برهه تاریخی گفتند که ایران نظام ارباب -رعیتی داشت و این خان بود که بر جان و مال رعایایش حکم می‌راند. محبوبیت بیشتر بخش‌هایی از این سریال که مربوط به گذشته بود، راهگشای بسیاری از آثار برای نمایش این دوره تاریخی و بهره‌بری از فضای تراژیک آن در یک درام نمایشی شد تا جایی که در چند اثر پس از آن به نحوی همین حال و هوا را شاهد بودیم.

### پایداری دخت گیلان در برابر خان

به تازگی سریال «گیل‌دخت» به کارگردانی مجید اسماعیلی از شبکه یک سیما روی آنتن رفت. در بخشی از این سریال هم شاهد روایت آشنایی از زندگی خوانین و رعایا هستیم. گلنار، شخصیت اصلی قصه دختر خان است و در این مسیر با چالش‌های فراوانی روبه‌رو می‌شود. این شخصیت که باید به قوانین محدودکننده برای دختری با موقعیت او سر بنهد با خواسته‌هایی از سوی حاکمیت مواجه است که با آرزوها و افکار او به عنوان دختری جسور همسو نیست. این قصه البته با پرداختن به زندگی دختری خان‌زاده نشان می‌دهد در این سیستم فقط رعایا مظلوم و قربانی نبودند و گاهی ظلمی که اربابان گسترده‌اند، دامنگیر خانواده‌های‌شان هم می‌شد و کسی را که می‌خواست خلاف جهت منافع آنها کار کند یا به رعیت بها دهد، نابود می‌کرد.

### جشن سربرون برای قدوم خوانین

«جشن سربرون» یکی از سریال‌های تولیدشده سیماست که هنوز رنگ آنتن ندیده ولی گفته می‌شود در قصه این سریال هم مخاطبان روایت متعددی از چند خان را به تماشا می‌نشینند که هر کدام ماجراهای خود را دارند. بازیگرانی چون حسین محبوب، نادر فلاح، صدرالدین حجازی، محمود پاک‌نیت و... جزو هنرپیشه‌هایی هستند که نقش چند نفر از این خوانین را بازی می‌کنند و با همدیگر دچار درگیری می‌شوند. جالب این است که پاک‌نیت دست کم در دو سریال دیگر هم رخت خان بر تن داشته‌است و باید دید با پخش این سریال چه وجه تمایزی میان این نقش‌ها می‌توان یافت.

### کلبه می‌جان در مه

در سریال «کلبه‌ای در مه» هم که خرداد ۱۴۰۰ از شبکه سه سیما پخش شد، فضایی در یکی از روستاهای شمال ایران را به تصویر می‌کشید که خان‌زاده‌ای جوان و مستبد بر آن احاطه داشت. او بازوی قدرت حاکمیت در آن منطقه و اجراکننده سیاست‌های حکومت مرکزی بود. برخلاف او پدرش خانی محبوب و مردمی بود، اما خان‌زاده از هیچ ظلمی فروگذار نمی‌کرد. حتی دست روی دختری از اهالی ده بانام می‌جان گذاشته بود تا به اجبار او را به عقد خود درآورد اما در این مسیر با وجود جنایت‌های فراوان درنهایت به موفقیت نمی‌رسد. مجید پتکی، بازیگر نقش سهراب در این سریال که در آواز مه، کوله‌بار، آواز شب، دلدادگان و گذر از رنج‌ها هم بازی داشته در گفت‌وگویی درباره این سریال و «گذر از رنج‌ها» بیان کرده بود: بازخوردی که گرفته‌ام این است که مردم قصه‌هایی درباره خان و رعیت و اجحافی که در مورد رعیت‌ها صورت گرفته را دوست دارند؛ مثل سریال «پس از باران».

### گذر از رنج‌های زندگی

«مادرش در بدترین شرایط زایمان می‌کند و همان موقع از دنیا می‌رود. او می‌ماند و یک پدر که وضع مالی خوبی هم ندارد. در جوانی مجبور می‌شود در خانه یک مهندس کارگری کند. درست موقعی که باسواد و به معلم روستا علاقه‌مند می‌شود، وادارش می‌کنند به عقد پسر خان دربیاید و برای او پسر به دنیا آورد. با مرگ پسر خان شرایط عوض می‌شود. او بالاخره به پسر مورد علاقه‌اش می‌رسد اما همسرش درگیر بیماری لاعلاجی می‌شود؛ خیلی زود می‌میرد و...» این قصه سریال گذر از رنج‌ها است که سال ۱۳۹۳ از شبکه یک پخش شد و بخشی از آن به روایتی از نفوذ خان‌ها در ابعاد مختلف زندگی رعایای خود اختصاص داشت. در واقع ازدواج‌هایی که زندگی‌های بسیاری را با ناکامی سوزاند و سرنوشت‌های زیادی را تغییر داد. این سریال هم فضای شمال کشور و روستایی در این خطه را به تصویر می‌کشید که در قصه‌های دیگر هم مشابهش را دیده‌ایم.

### بنای خانه‌ای در تاریکی

سعید سلطانی مدتی بعد از موفقیت سریال پس از باران سریال «خانه‌ای در تاریکی» را روی آنتن فرستاد که در بخش‌هایی از آن هم شخصیت خان به تصویر کشیده شده بود. یکی اربابی که وسعت قلمرویش در محدوده یک خانه قدیمی و فراموش‌شده بود و دیگری خانی که ریاست یک ایل را بر عهده داشت. در این سریال محمود پاک‌نیت در نقش میرزا بهاالدوله در خانه‌ای به سه همسر و اهل عمارت ظلم می‌کرد. گرچه خبری از روستاییان و رفتاری ارباب‌منشانه نسبت به آنان وجود نداشت اما در این سریال شمایی از رفتارهای مستبدانه و خودرایی از برخی شخصیت‌ها می‌دیدیم که می‌توان نشانش را در سریال‌هایی که مستقیما نمایشگر دوران ارباب - رعیتی است یافت.

> **گلبن: داستان‌های تاریخی را نباید به نظام خان و رعیت منحصر کرد**

### تکرار سرنوشت مادر

خاطرتان هست سریال «ستایش» که روی آنتن شبکه سه سیما رفت خیلی زود مخاطبان زیادی را پای تلویزیون نشاند. در خط اصلی قصه این سریال نه خبری از خان است و نه رعیت اما رفتارهای حشمت فردوس یادآور اربابی بود که به همه اطرافیانش به‌ویژه زیردستان به چشم رعیت نگاه می‌کرد و خود را حتی صاحب اندیشه و سرنوشت آنها می‌دانست و جای همه تصمیم می‌گرفت ولی یادآوری این سریال در این نوشتار نه‌فقط به خاطر شخصیت‌پردازی حشمت بلکه برای نقبی است که در بخشی از قصه به گذشته می‌زند. در جایی از سریال ستایش یک، شخصیت ستایش با بازی نرگس محمدی برای فرار از دست پدر همسر که قصد گرفتن پسرش را داشت، به شمال کشور می‌رود. او در این سفر پس از سال‌ها با پدربزرگش روبه‌رو می‌شود. این نقش را زنده‌یاد جمشید مشایخی ایفا می‌کرد. او در این رفت‌وآمدها درمی‌یابد پدر و مادرش در گذشته ماجرایی مشابه با امروز وی را از سر گذرانده‌اند. پدرش عاشق دختر خان می‌شود که متمول است و برای همین خان با این ازدواج مخالفت می‌کند و آنها با وجود این ممانعت پای سفره عقد می‌نشینند و از خانواده طرد می‌شوند. این بخش از سریال گرچه داستانکی بود که در نیمه پایانی روایت مخاطبان را با خود همراه کرد اما در آن بار دیگر شمایی از دوره تاریخی مذکور در ایران به تصویر کشیده شد. کارگردان این سریال هم مثل پس از باران سعید سلطانی است و به همین خاطر می‌شود ادعا کرد این کارگردان از علاقه‌مندان به تصویرکردن قصه‌هایی از این برهه است که زمان کوتاهی را هم در تاریخ ایران به خود اختصاص نداده است.

### سال‌های ارباب - رعیتی

سریال «سال‌های برف و بنفشه» به کارگردانی سعید سلطانی که سال ۱۳۸۵ از شبکه سه سیما پخش شد داستان مهندس علی فلاح را روایت می‌کند که پس از سال‌ها زندگی در اروپا و تحصیل در رشته کشاورزی به‌تازگی به ایران بازگشته و علی‌رغم میل خانواده‌اش، برای احیا و آبادانی زمین پدرش راهی پیشوای ورامین می‌شود. او می‌خواهد در باغ‌های پدرش یک سیستم کشاورزی مدرن راه بیندازد اما سیستم ارباب - رعیتی مانع پیشرفت کارهای علی می‌شود و... در این سریال گوشه‌هایی از دشواری‌های زندگی در چنین نظامی به تصویر کشیده شد و البته با رخدادهای انقلاب پیوند خورد.

### پریدخت، اسیرخان

سریال «پریدخت» به کارگردانی سامان مقدم سال ۱۳۸۶ پخش شد و در این قصه هم شاهد شیفتگی پسر خان به دختر یکی از مردان خوشنام شهر بودیم که به وصلت این دو می‌انجامد. البته وصلتی که با رنگ و ریا از سوی خان‌زاده همراه است. در واقع پسر خان شهر پس از مرگ پدرش به قدرت می‌رسد و برای رسیدن به دختر مورد علاقه‌اش از هر نیرنگ و فریبی بهره می‌برد و سبب جدایی او از مردی که قرار بود ابتدا به عقد همدیگر دربیایند می‌شود. این قصه آشنا

برش

## روزهای به‌یادماندنی که از یادها رفت

**از میان سریال‌ها و فیلم‌هایی که در تلویزیون، نمایش خانگی و سینما سراغ قصه‌ای مربوط به ایام ارباب - رعیتی رفتند، می‌توان نام‌های بسیاری فهرست کرد و از چرایی محبوبیت پرداختن به چنین سوژه‌هایی و همچنین وجوه مغفول‌مانده آن گفت؛ زیرا هنوز هم برخی معتقدند می‌توان قصه‌های تازه‌تری از دل آن روزها بیرون آورد و روایت کرد. همچنین عده‌ای نسبت به نزدیکی آثار نمایشی به واقعیت و ارائه تصویری درست از زمان آغاز و پایان این نظام در ایران نگاهی نقادانه دارند. با تمام اینها کنار اسامی‌ای که بیان شد، می‌توان به سریال‌های دیگری مثل بوم و بانو، بانوی عمارت، روزهای به‌یاد ماندنی، از یادها رفته، سرزمین کهن و... اشاره کرد که برخی شاید نه مستقیم اما به این سیستم حکمرانی که به‌ویژه در روستاها و شهرهای کوچک مرسوم بود، اشاراتی داشتند.**

سکانس

## مرجع قصه‌هایی از خانه اربابی

**شاید هنوز هم محبوب‌ترین و به‌یادماندنی‌ترین قصه‌ای که مخاطبان از دوران ارباب - رعیتی به خاطر دارند، سریال «پس از باران» باشد که مرجع بسیاری از علاقه‌مندان به ساخت چنین آثاری قرار گرفت. آثاری که برخی با بهره‌بردن از خط اصلی یا خرده‌داستان‌های این سریال به دام کلیشه افتادند و سعی داشتند همان فرمول اجرا شده در این سریال را به مخاطبان عرضه کنند.**

کیوآرکد را اسکن کنید

قاب

## گیل‌دخت روایتی از دختر خان

مجموعه تلویزیونی تاریخی «گیل‌دخت» محصول مرکز فیلم و سریال معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما به کارگردانی مجید اسماعیلی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی است که از ۱۹ آبان‌ماه از قاب شبکه یک سیما روی آنتن رفته است. گیل‌دخت، درامی تاریخی است که داستان آن در بستر زمانی دوره قاجاریه شکل می‌گیرد و قصه آن حکایت گلنار و اسماعیل است که در میان هیاهو و مهلکه قجری تار و پود دل‌شان با مهر و محبت هم بافته می‌شود. در این سریال میترا رفیع نقش گلنار را بازی می‌کند که دختر تقی‌خان قصه است که نقش پدرومادر او را محمود پاک‌نیت و فریبا متخصص بازی می‌کنند. حال در این قصه دختر خان دلباخته محبت جوانی خوش‌سیما و یکی از تفنگداران خان شده‌است اما خانواده مخالف این موضوع هستند و همین باعث می‌شود تا ماجراهای مختلفی رخ بدهد. از دیگر بازیگران این سریال می‌توان به سعید راد، رضا اکبرپور، سعید چنگیزیان، رامتین خداپناهی، شقایق فراهانی، یاسمن معاوی، پریوش نظریه، ثریا قاسمی، حبیب دهقان‌نسب، فخرالدین صدیق‌شریف، حمید ابراهیمی و... اشاره کرد.

خاطره

## همدردی مردم با «خانوم‌کوچیک»

وقتی مخاطبان نام مرجان محتشم را می‌شنوند ناخودآگاه یاد سریال پرمخاطب «پس از باران» می‌افتند که او را در این سریال دیده بودند. محتشم در این سریال تاریخی نقش یک دختر رعیت را بازی می‌کرد که به اجبار همسر دوم خان روستا (محمود پاک‌نیت) شده بود و راضی نبود. او در قصه به خانوم‌کوچیک معروف بود. محتشم با بازی در این سریال به شهرت رسید، زیرا نقش یک دختر رعیت را به زیبایی بازی کرده بود. او تا اواسط دهه ۸۰ در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی بازی می‌کرد اما ناگهان دست از فعالیت کشید. البته بعد از گذشت ۲۲ سال هنوز سریال پس از باران و شخصیت‌هایش در دل مردم جای دارند. کمتر هموطنی را می‌توان سراغ گرفت که با شخصیت خانوم‌کوچیک همدردی نکرده باشد. باگذشت این همه سال و تکرار چندباره این سریال هنوز هم تماشای پس از باران برای مردم جذابیت دارد. از سوی دیگر مردم با شخصیت‌های این سریال ارتباط بسیار خوبی برقرار کردند و محتشم هم نقشش را با آوای گیلکی بازی کرد.